

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّرسی طباطبائی نردوی دست برکات

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه ۷۲ - دوشنبه ۹۳/۱/۱۸

علاوه در مورد وجه اخیر یعنی مقتضای دلیل سوم بر وجوب فحص، باید به این نکته توجه کرد که هرچند استحقاق عقاب بر مخالفت واقع وجود ندارد به دلیل اطلاق «رفع ما لایعلمون» إلا اینکه استحقاق عقاب بر اساس تجرّی وجود دارد؛ به دلیل آنکه فردی که قبل از فحص اجرای برائت می‌کند، نمی‌داند که اگر فحص کند ظفر به دلیل پیدا نمی‌کند و احتمال می‌دهد ظفر به دلیل پیدا کند و در حقیقت شک در قدرت دارد؛ یعنی شک دارد که آیا «رفع ما لایعلمون» شامل حال او می‌شود یا خیر. در این هنگام که چنین شکّی وجود دارد، در واقع این فرد حجّتی بر عدم فحص ندارد و نمی‌تواند تعلّم را ترک کند؛ عدم فحص تجرّی بر مولاست و در بحث تجرّی بیان شد که به حکم عقل استحقاق عقوبت وجود دارد، پس این فرد از حیث تجرّی مستحقّ عقوبت است گرچه از حیث مخالفت با واقع مستحقّ عقوبت نیست به همان بیانی که ذکر شد. **نتیجه‌ی نهایی:** در مجموع باید گفت کسی که مخالفت با واقع می‌کند مستحقّ عقوبت است ولو آنکه اگر فحص هم می‌کرد به دلیل دست پیدا نمی‌کرد و مرجع او برائت بود.

۲. حکم صحّت و عدم صحّت عمل تارک فحص

بعد از بررسی استحقاق عقوبت بر ترک فحص، حال باید ببینیم عملی که شخص بدون فحص انجام می‌دهد چه حکمی دارد؟ این مسئله دو صورت دارد: گاهی عمل تارک فحص، مطابق واقع در می‌آید و گاهی این گونه نیست. در ادامه هر دو صورت را بررسی می‌کنیم.

الف) صورت مطابقت عمل با واقع

شیخ رحمته الله قدری ریشه‌ای و اساسی وارد بحث شده‌اند و فرموده‌اند: اگر کسی بدون فحص و ظفر به دلیل،

عملی را انجام دهد و از باب اتفاق، مطابق واقع در آید آیا عمل او مجزی است و اگر بعداً متوجه شد، اعاده و قضا دارد یا خیر؟

این مسئله با اجرای برائت قبل از فحص متفاوت است و سخن شیخ رحمته الله در این است که اگر مکلفی بدون فحص عملی را انجام داد، حکم آن از حیث صحّت و عدم صحّت چیست. مثلاً کسی نمی‌داند نماز دارای سوره است یا خیر و بدون فحص و از باب اتفاق، نماز خود را با سوره می‌خواند و سپس کشف می‌شود نماز او مطابق واقع بوده است، آیا عمل او که نمی‌دانسته مطابق واقع بوده، مجزی است و کافی از اعاده و قضاست یا خیر؟

برای تقریب به ذهن، مناسب است این مثال گفته شود که: برخی فتوا داده‌اند عمل تارک طریق تقلید و اجتهاد باطل است، به گونه‌ای که حتی اگر احتیاط هم بکند، در برخی موارد عمل باطل است؛ یعنی در برخی موارد حتی احتیاط فایده‌ای ندارد بلکه باید اجتهاد یا تقلید صورت گیرد.

کلام شیخ رحمته الله و بررسی آن

مرحوم شیخ در جواب این مسئله، اعمال را به دو قسم تقسیم کرده است:^۱

۱. فرائد الاصول (ط - انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۵۱۹ - ۵۱۵:

و أما الكلام في الحكم الوضعي و هي صحة العمل الصادر من الجاهل و فسادة فيقع الكلام فيه تارة في المعاملات و أخرى في العبادات. أما المعاملات: فالمشهور فيها أن العبرة فيها بمطابقة الواقع و مخالفته سواء وقعت عن أحد الطرفين أعني الاجتهاد و التقليد أم لا عنهما فانفتحت مطابقتها للواقع لأنها من قبيل الأسباب لأمر شرعية.

فالعلم و الجهل لا مدخل له في تأثيرها و ترتب المسببات عليها.

فمن عقد على امرأة عقدا لا يعرف تأثيره في حلية الوطى فانكشف بعد ذلك صحته كفى في صحته من حين وقوعه و كذا لو انكشف فساد رتب عليه حكم الفاسد من حين الوقوع و كذا من ذبح ذبيحة بفرى و دجيه فانكشف كونه صحيحا أو فاسدا و لو رتب عليه أثرا قبل الانكشاف فحكمه في العقاب ما تقدم من كونه مراعى بمخالفة الواقع كما إذا وطئها فإن العقاب عليه مراعى و أما حكمه الوضعي كما لو باع لحم تلك الذبيحة فكما ذكرنا هنا من مراعاته حتى ينكشف الحال.

... و أما العبادات: فملخص الكلام فيها أنه إذا أوقع الجاهل عبادة عمل فيها بما يقتضيه البراءة كأن صلى بدون السورة فإن كان حين العمل متزلزلا في صحة عمله بانبا على الاقتصار عليه في الامتثال فلا إشكال في الفساد و إن انكشف الصحة بعد ذلك بلا خلاف في ذلك ظاهرا لعدم تحقق نية القربة لأن الشاك في كون المأتي به موافقا للمأمر به كيف يتقرب به و ما يرى من الحكم بالصحة فيما شك في صدور الأمر به على تقدير صدوره كبعض الصلوات و الأغسال التي لم يرد بها نص معتبر و إعادة بعض العبادات الصحيحة ظاهرا من باب الاحتياط فلا يشبه ما نحن فيه لأن الأمر على تقدير وجوده هناك لا يمكن قصد امتثاله إلا بهذا النحو فهو أقصى ما يمكن هناك من الامتثال بخلاف ما نحن فيه حيث يقطع بوجود أمر من الشارع فإن امتثاله لا يكون إلا بإتيان ما يعلم مطابقتها له و إتيان ما يحتمله لاحتمال مطابقتها له لا يعد إطاعة عرفا.

و بالجملة فقصد التقرب شرط في صحة العبادة إجماعا نضا و فتوى و هو لا يتحقق مع الشك في كون العمل مقربا.

۱. اعمالی که از سنخ معاملات (بالمعنی الاعم) است.

۲. اعمالی که منوط به قصد قربت است.

در معاملات فرموده‌اند که حکم به صحت عمل می‌شود. مثلاً اگر کسی نمی‌داند عقد نکاح چگونه خوانده می‌شود ولی به گونه‌ای انجام می‌دهد که مطابق واقع در می‌آید، نکاح او محکوم به صحت است؛ زیرا از یک طرف قصد قربت در آن شرط نیست و از طرف دیگر تمام آنچه در نکاح شرط یا قید بوده است اتیان کرده است، بنابراین حالت منتظره‌ای ندارد، هرچند خود شخص هنگام عمل نمی‌دانسته عمل او مطابق واقع بوده است.

اما در عبادات و آنچه منوط به قصد قربت است، مرحوم شیخ فرموده‌اند در صورتی که شخص می‌توانست فحص کند ولی بدون فحص عبادت را اتیان کرد، هرچند مطابق واقع باشد چون حین عمل حجّتی ندارد که این عمل او مطلوب مولاست پس عمل او کافی نیست؛ زیرا شرط است که در صورت امکان، شخص حین عمل بداند که عمل او مطلوب مولاست.

مرحوم نائینی در بحث علم اجمالی^۱ و بعضی از محققین معاصر با کلمات شیخ رحمته الله در این مسئله موافقت نموده‌اند، که ما در بحث قطع و علم اجمالی در مقام امثال، به صورت تفصیلی این فرمایشات را بیان و بررسی نمودیم و در آنجا اثبات نمودیم که در عبادیت، احتمال محبوبیت و به رجاء محبوبیت آوردن کافی است و لذا حتی اگر کسی عبادت را به رجاء مطلوبیت بیاورد و بعداً نیز منکشف شود که این عمل محبوب بوده است، کافی است و از حیث عبادیت نقصانی ندارد و إعادہ و قضا نیز نخواهد داشت.

ب) صورت عدم مطابقت عمل با واقع

واضح است که در این صورت علاوه بر استحقاق عقاب به خاطر مخالفت واقع، عمل او نیز باطل است؛ زیرا با تمسک به اجرای برائت (اصل مؤمن)، واقع از او فوت شده در حالی که حجّتی بر اجرای

۱. گرچه محقق نائینی رحمته الله در ما نحن فيه می‌فرماید:

✓ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۲۸۵:

الجهة الثالثة: في صحة العمل المأتمّ به في حال الجهل و فساد.

و مقتضى أصول المخطئة أن يكون المدار في الصحة و الفساد على موافقة العمل للواقع و مخالفته، لا على موافقته للطريق المنصوب و مخالفته. و على هذا لو وافق عمل الجاهل التارك للفحص للواقع كان مجزياً، و يترتب عليه الأثر المقصود منه، سواء في ذلك العبادات و المعاملات و إن خالف الطريق المنصوب.

برائت (اصل مؤمن) نداشته است. لذا باید عمل را اعاده و بعد از وقت قضا نماید. ولی علی‌رغم این قاعده‌ی واضح، برخی فتاوی وجود دارد که این قاعده را نقض می‌کند که در ادامه از آن بحث می‌کنیم.

شبهه‌ی نقض قاعده‌ی اولیه در بعض فتاوی علما

مرحوم آخوند در کفایه مطلبی را مطرح کرده‌اند^۱ که دارای اثر است و چه بسا مورد ابتلاء باشد و آن اینکه: گرچه کسی که ترک فحص کند و خلاف واقع را انجام دهد مستحق عقوبت است و عمل او بی‌ارزش است و اگر وقت باقی باشد باید اعاده کند و در خارج وقت قضا نماید، ولی علی‌رغم این قاعده‌ی اولیه، علما دارای فتوایی هستند که مأخوذ از روایات است^۲ و این قاعده را نقض می‌کند.

بیان ذلک: اگر کسی به جای نماز قصر نماز تمام بخواند (از روی جهالت ولو با تقصیر باشد) این فرد هرچند مستحق عقاب است اما اعاده و قضا بر او واجب نیست. این فتوا با قاعده‌ای که مطرح شد سازگاری ندارد؛ زیرا طبق قاعده اگر کسی بدون فحص به جای نماز قصر نماز تمام بخواند، اگر در وقت متوجه خطای خودش بشود باید اعاده کند و اگر خارج از وقت متوجه شد باید قضا کند و اگر شخص در وقت

۱. کفایه الأصول (ط - آل البيت ع)، ص ۳۷۷:

و أما الأحكام فلا إشكال فی وجوب الإعادة فی صورة المخالفة بل فی صورة الموافقة أيضا فی العبادة فیما لا یتأتی منه قصد القرابة و ذلک لعدم الإتیان بالمأمور به مع عدم دلیل علی الصحة و الإجزاء إلا فی الإتمام فی موضع القصر أو الإجهار أو الإخفات فی موضع الآخر فورد فی الصحیح و قد أفتی به المشهور صحة الصلاة و تمامیتها فی الموضعین مع الجهل مطلقا و لو كان عن تقصیر موجب لاستحقاق العقوبة علی ترک الصلاة المأمور بها لأن ما أتى بها و إن صحت و تمت إلا أنها لیست بمأمور بها.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، کتاب الصلاة، ابواب القراءة فی الصلاة، باب ۲۶، ص ۸۶، ح ۲ و ۱:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي رَجُلٍ جَهَرَ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْإِجْهَارُ فِيهِ وَ أَخْفَى فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْإِخْفَاءُ فِيهِ فَقَالَ أَيْ ذَلِكَ فَعَلَّ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ تَقَضَّ صَلَاتَهُ وَ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا أَوْ لَا يَدْرِي فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَرِيزٍ مِثْلَهُ.

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ جَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْجَهْرُ فِيهِ وَ أَخْفَى فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْإِخْفَاءُ فِيهِ وَ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ فِيمَا يَنْبَغِي الْقِرَاءَةَ فِيهِ أَوْ قَرَأَ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْقِرَاءَةَ فِيهِ فَقَالَ أَيْ ذَلِكَ فَعَلَ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

✓ همان، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافرين، باب ۱۷، ص ۵۰۶، ح ۴:

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام رَجُلٌ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا أَوْ يَعْجِدُ أَمْ لَا قَالَ إِنْ كَانَ قَرِئَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ وَ فَسَّرَتْ لَهُ فَصَلَّى أَرْبَعًا أَعَادَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَرِئَتْ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ.

و رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ مِثْلَهُ.

نتوانست جبران کند مستحقّ عقوبت نیز می‌باشد؛ زیرا واقع را ترک کرده است. با این حال فتوای علما که ظاهراً اصل آن اجماعی است^۱ بر خلاف این قاعده است. مشکل آن است که آقایان فرموده‌اند این فرد که به جای قصر، نماز تمام آورده است مستحقّ عقوبت است هرچند در وقت متوجه خطای خود بشود و بتواند جبران کند و اعاده‌ی او فایده‌ای ندارد، در حالی که طبق قاعده باید بتواند اعاده کند و مستحقّ عقاب نباشد. در واقع این سؤال مطرح است که اگر نماز قصر به جای اتمام در حقّ این فرد صحیح و مجزی است چرا مستحقّ عقاب است؟! و اگر این نماز در حقّ او صحیح نیست چرا اعاده و قضا نداشته باشد؟!

نظیر این مسئله، مسئله‌ی جهر و اخفات است^۲ که علماء فرموده‌اند: اگر کسی نداند وظیفه‌ی او در صبح و مغرب و عشاء جهر به قرائت است و نماز را اخفاتاً بیاورد، نماز او صحیح است و اعاده و قضا ندارد، هرچند به خاطر ترک واجب واقعی استحقاق عقوبت دارد. در این مسئله عکس آن نیز وجود دارد؛ یعنی اگر کسی در موضع اخفات، جهر بیاورد باز همین حکم جاری است.

این مسئله در ظاهر از مسائل عویصه است که در کتب مختلف مطرح شده است.^۳

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص ۳۴۳:

و لو كان قد أتم صلاته جاهلاً بأن حكم المسافر التقصير فلا إعادة و لو كان الوقت باقياً للصحیح السابق وفاقاً للأكثر كما فی المدارک و غیرها، بل المشهور كما فی الروض و غیره، بل فی الرياض «أن علیه الإجماع فی الجملة فی ظاهر بعض العبارات» بل حکى المقدس البغدادی الإجماع علیه صریحاً، و ربما يؤیده معروفة استثناء هذه المسألة و مسألة الجهر و الإخفات من عدم معذورية الجاهل، كما یومی الیه سؤال الرسی و الرضی السید المرتضی عن وجه ذلك ...

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۴:

المسألة الرابعة إن خافت فی موضع الجهر أو عكس جاهلاً أو ناسياً أو ساهياً لم يعد إجماعاً محکياً فی الرياض و عن التذكرة إن لم یکن محصلاً، لأنه لا خلاف فیہ كما عن المنتهی للصحیحین الذین قد مرا سابقاً.

۳. أجود التقريرات، ج ۲، ص ۳۳۴؛ بحوث فی علم الأصول (تقریرات شاهرودی)، ج ۵، ص ۴۲۰؛ بدائع الأفكار (میرزا حبیب الله رشتی)، ص ۳۹۲؛ تنقیح الأصول (امام خمینی رحمته الله)، ج ۳، ص ۶۳۱؛ تهذیب الأصول (امام خمینی رحمته الله)، ج ۳، ص ۴۴۵؛ دراسات فی علم الأصول، ج ۲، ص ۴۸؛ فرائد الاصول، ج ۲، ص ۵۲۳؛ فوائد الاصول، ج ۴، ص ۲۸۹؛ كفاية الأصول، ص ۳۷۷؛ مصباح الأصول، ج ۱، ص ۵۰۶؛ منتقى الأصول، ج ۲، ص ۴۳۶؛ نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۴۸۴؛ الهدایة فی الأصول، ج ۳، ص ۵۱۶ و ...